

حضور پرننگ دیپلمات‌های ارشد آمریکایی، فرانسوی، آلمانی و بریتانیایی در سوریه و دیدار با رهبران ارشد تحریرالاشام، نشان می‌دهد با وجود تردیده‌های موجود در میان هیات حاکمه کشورهای غربی درباره ارتباطات پیشین تحریرالاشام با القاعده، کشورهای یادشده ترجیح می‌دهند به منظور تضعیف موقعیت تهران و متحدانش در منطقه، همچنین تضمین امنیت رژیم صهیونیستی، در راستای مشروعیت‌بخشی به حکومت افراط‌گرایان سوروی گام بردارند. در همین راستا و در نخستین گام دولت آمریکا اعلام کرده معافیت‌هایی ۶ ماهه از تحریم را برای برخی فعالیت‌ها در سوریه ارائه می‌دهد تا دسترسی به خدمات اساسی پس از سقوط بشار اسد، رئیس‌جمهوری سابق تسهیل شود.

همسایگی عراق با سوریه و نقش غیرقابل کتمان بغداد در آینده مناسبات سیاسی سوریه، موجب شده دولت‌مردان آمریکایی با فشار بر دولت سودانی، ضمن ممانعت از سنگ‌اندازی احتمالی حشدالشعبی و دیگر اضلاع محور مقاومت در امور داخلی حکومت تحریرالاشام در سوریه، راه را برای پذیرش و مشروعیت‌بخشی به حکومت ابومحمد جولانی باز گذارند. قابل تصور است که با استقرار ترامپ در کاخ سفید و بی‌میلی وی به مداخله مستقیم نظامی در امور منطقه، بر میزان فشارها بر بغداد جهت مشروعیت‌بخشی به دولت جولانی افزوده شود.

ث – تأمین امنیت رژیم صهیونیستی

از فردای اشغال سرزمین‌های فلسطینی در ۱۴ مه ۱۹۴۸ تا اکنون، ایالات متحده آمریکا در جایگاه بزرگ‌ترین متحد رژیم صهیونیستی قرار داشته است. در این میان از دونالد ترامپ به عنوان بزرگ‌ترین متحد رژیم صهیونیستی در خلال ۷۶ سال اخیر و پس از اشغال سرزمین‌های فلسطینی نام برده می‌شود.

از فردای هفتم اکتبر، شماری از نیروهای حشدالشعبی همسو با دیگر اضلاع محور مقاومت و در راستای حمایت از آرمان قدس شریف و پذیرش آتش‌بس در باریکه غزه، سلسله حمله‌ای را علیه دشمن صهیونیستی انجام داده‌اند. گروه‌های یادشده با حمایت‌های علمی و لجستیکی جمهوری اسلامی، اکنون از توانایی لازم برای ساخت و به کارگیری انواع موشک‌ها و پهپادهای پیشرفته برخوردارند؛ امری که به منزله تهدیدی بزرگ، موجودیت رژیم صهیونیستی را به مخاطره انداخته است. همین مسئله موجب خواهد شد ترامپ بی‌پروا در پی خلع سلاح حشدالشعبی یا ادغام آنان در ارتش عراق در راستای تأمین امنیت رژیم صهیونیستی گام بردارد.

ج – تأمین نیازهای عراق از طرف همسایگان عربی

تلطیف روابط بغداد با شورای همکاری خلیج‌فارس و در هم تنیده شدن مباحث فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی عراق با شیخ‌نشین‌های منطقه با تأکید بر اشتراکات قومی، مذهبی و زبانی اعراب منطقه به منظور مقابله با آنچه نفوذ تهران در منطقه نامیده می‌شود، همواره در دستور کار دولت‌مردان آمریکایی قرار داشته است. از همین رو قابل تصور است که ترامپ با توسل به حربه‌های گوناگون در مسیر ادغام سیاست عراق در منطقه عربی گام بردارد. شرط تحقق چنین سیاستی، به حاشیه راندن متحدان ایران و سرمایه‌گذاری وسیع بر جریان‌های سکولار و جریان‌های مذهبی تشیع مخالفت جمهوری اسلامی نظیر طیف منتقاد صدر همزمان با تقویت موضع کردها و گروه‌های سنی عراق خواهد.

دولت آتی ترامپ تلاش خواهد کرد:

تهران، از پیامدهای ناشی از فشار حداکثری بر ایران بر تحولات اقتصادی عراق بکاهد. در این مسیر، تلاش برای

تأمین انرژی و مایحتاج اولیه شهروندان عراقی از سوی همسایگان این کشور و قدرت‌تراش صاحب نفوذ در دستور

کار دولت‌مردان آمریکایی قرار خواهد گرفت.

چ – تقویت حضور نظامی آمریکا در عراق

ایالات متحده ۲۵۰۰ نظامی در عراق و ۹۰۰ نظامی در سوریه دارد و هدف از حضور این واحدها را آنچنان که پنتاگون اعلام کرده، جلوگیری از سربرآوردن مجدد شبه‌نظامیان داعش عنوان کرده است. با این حال قابل تصور است که به‌رغم مصوبه پارلمان عراق مبنی بر ضرورت خروج نظامیان آمریکایی از این کشور، مقامات آمریکایی تمایلی به خروج از این کشور به شکل کامل و ترک منطقه اقلیم کردستان به شکل اخیر ندارند، بویژه آنکه مقامات اربیل نیز نسبت به حضور آمریکایی‌ها در این منطقه چراغ سبز نشان داده‌اند.

ح – سرمایه‌گذاری بر گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی در عراق

از سرمایه‌گذاری بر گروه‌های کرد، سنی و شیعیانی که از روابط حسنه با جمهوری اسلامی بی‌بهره‌اند، به عنوان آلترناتیو برای گروه‌های متحد ایران در هیات حاکمه عراق نام برده می‌شود. ایالات متحده به رهبری ترامپ خواهد کوشید با متهم کردن حشدالشعبی به عنوان عامل پسرفت و مشکلات حاکم بر عراق، زمینه تقویت موقعیت گروه‌های مخالف حشدالشعبی در عرصه سیاسی عراق فراهم آورد تا از این رهگذر، بدون رویارویی مستقیم با تهران، زمینه فاصله‌گیری دولت بغداد از تهران را ایجاد کند.

عراق اگرچه در خلال ۲ دهه اخیر، به محلی برای نفوذ تهران و تهدیدی برای منافع واشنگتن تبدیل شده، لیکن همچنان از ظرفیت‌های لازم برای بهره‌گیری از آن به عنوان تهدیدی برای جمهوری اسلامی ایران برخوردار است. در همین راستا سنگ‌اندازی در مسیر تحقق توافقنامه امنیتی تهران – بغداد می‌تواند به عنوان سیاستی جامع در دستور کار مقامات آمریکایی قرار گیرد. مقامات امنیتی کشورمان در خلال یک دهه اخیر در فرایند گفت‌وگوهایی پیچیده، موفق شده‌اند دولت بغداد و حکومت اربیل را نسبت به اخراج شبه‌نظامیان تروریست کرد (نظیر کومه، حدک، از حدکا و…) از جغرافیای عراق و اقلیم متقاعد کنند، از گروهک‌های تجزیه‌طلب کرد در طول سالیان منمادی بویژه پس از اغتشاشات ۱۴۰۱ به عنوان یکی از متحدان ایالات متحده در میان جریان‌های وابسته به ابوزبیبون نام برده می‌شود. ترامپ خواهد کوشید با اعمال نفوذ در بغداد و اربیل، زمینه تداوم حضور گروهک‌های یادشده در مناطق همجوار با جمهوری اسلامی را حفظ کرده و از آنها به عنوان اهرم فشار امنیتی علیه جمهوری اسلامی ایران بهره‌برداری کند.



نقش محوری عراق در تحقق سیاست فشار حداکثری ترامپ

خواب ترامپ برای عراق

به باور ناظران منطقه‌ای، به‌رغم تردید ترامپ در چگونگی مواجهه با پرونده عراق در دوره اول ریاستش، وی در دوره جدید دست‌کم در مواجهه با ایران و ضرورت مهار محور مقاومت، با اتکا به سیاست مشت آهنین، در پی تبعیت عراق از فشارهای وارده بر ایران خواهد بود. به زعم بازهای آمریکایی، تشدید فشارها بر عراق می‌تواند حلقه محاصره ناشی از فشار حداکثری بر تهران را بیش از پیش تنگ‌تر کرده و زمینه به زانو درآوردن جمهوری اسلامی یا تحقق پروژه براندازی در کشورمان را تسهیل کند.

الف –

فلج کردن اقتصاد تهران

سیاست کلیدی آمریکا از زمان وقوع انقلاب اسلامی در ایران، عمدتا معطوف به فشارهای اقتصادی بوده است. نقش بی‌بدیل و بلامناع آمریکا در اقتصاد جهانی، اهرم فشار وسیعی را در اختیار سردمداران کاخ سفید قرار داده تا با توسل به فشارهای اقتصادی و اعمال تحریم علیه حکومت‌های غیردوست، زمینه تحقق مطالبات خویش را فراهم آورند.

جامعه جهانی را فراهم آورند. در مقطع کنونی و با وجود گذشت بیش از ۱۳ سال از وضع شدیدترین تحریم‌های بین‌المللی و یکجانبه علیه کشورمان، دونالد ترامپ رئیس‌جمهور جدید آمریکا مصر است به هر شیوه‌ای که امکان‌پذیر است، تهران را به عدول از مواضعش سوق دهد. در این میان، عراق به دلیل جایگاه ویژه‌اش در مناسبات اقتصادی و همچنین اعطای برخی معافیت‌ها به بغداد در زمینه تعامل اقتصادی با تهران، بیش از هر کشور در منطقه، توجه آمریکا را به خود جلب خواهد کرد. جایگاه عراق در راستای تحقق فشار حداکثری بر کشورمان، به آن میزان در منطقه حائز اهمیت است که می‌توان آن را با جایگاه چین به عنوان بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران در جهان مقایسه کرد.از همین رو به موازات تلاش کاخ سفید برای فشار بر چین جهت ممانعت از خرید نفت ایران، تلاش نوحفاظله‌کاران انجیلی برای اداداشتن بغداد به تبعیت از نظام تحریمی آمریکا علیه ایران با جدیت دنبال خواهد شد.

معضلات بی‌امون عراق و نبود کشور جایگزینی برای ایران در تأمین مایحتاج این کشور، موجب شد آمریکایی‌ها در طول سالیان اخیر در اعمال تحریم‌ها علیه ایران، استثنائاتی را برای عراق قائل شوند. معافیت‌های یادشده ۱۲۰ روز یک بار نیازمند اخذ مجوز جدیدی از سوی کاخ سفید است. آذراه گذشته دولت بایدن معافیتی تحریمی را تمدید کرد که به ایران اجازه می‌داد به حدود ۱۰ میلیارد دلار پول بلوکه‌شده‌اش در عراق دسترسی یابد. معافیت یادشده قرار است پس از رسیدن ترامپ به کاخ سفید در ماه ژانویه منقضی شود. تیم ترامپ تاکنون هیچ اظهارنظری درباره احتمال تمدید این معافیت‌ها نکرده است، با این حال قابل کتمان نیست که وی در راستای پیشبرد مقاصد خویش و به رغم تبعات اقتصادی مساله یادشده بر دولت عراق، از تمدید این معافیت امتناع ورزد؛ امری که ضمن تشدید فشارها بر ایران، می‌تواند به بروز تنش در روابط تهران و بغداد منتهی شود.

علاوه بر صادرات کالاهای ایرانی به عراق، این کشور از حیث صادرات برق و گاز نیز برای ایران اهمیت دارد. بر اساس توافق شکل گرفته، ایران در مدت ۵ سال باید اقدام به صدور ۴۰۰ مگاوات برق به کرده و روزه ۵ میلیون مترمکعب از گاز این کشور را تأمین کند. درباره وابستگی عراق به ایران در حوزه انرژی، هر چند دولت این کشور با هدف کاهش این وابستگی مذاکراتی را با سایر کشورهای منطقه از جمله عربستان آغاز کرده است، به نظر می‌رسد در میان‌مدت این کشور به گزینه جایگزین ایران بدل خواهد شد. بر همین مبنا قابل تصور است تا ایالات متحده با اتکا به سیاستی چندوجهی، ضمن عدم تمدید معافیت‌های صادره جهت انتقال پول از عراق به ایران، در زمینه خرید گاز و برق ایران از سوی عراق چالش‌هایی را ایجاد کند.

از سوی دیگر، روابط مستحکم ایران و عراق در خلال ۲ دهه اخیر بستر مساعدی را برای کشورمان فراهم کرده تا با بهره‌گیری از فضای عراق، بخشی از تحریم‌های اعمال شده از سوی ایالات متحده آمریکا دور زده شود. از بازار عراق به عنوان یکی از بازارهای کلیدی تأمین دلار ایران نام برده می‌شود. همچنین برخی رسانه‌های غربی در خلال ۲ سال اخیر، مدعی شده‌اند تهران بخشی از نفت و انرژی



نقش محوری عراق در تحقق سیاست فشار حداکثری ترامپ

خواب ترامپ برای عراق

۱۶ برابر رشد شده است. بر اساس گزارش‌های رسمی، در سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ به ترتیب حجم واردات عراق ۶۶٫۷ و ۷۱ میلیارد دلار بوده است که ۱۱ کشور با سهم ۹۷ تا ۹۸ درصدی، عمده‌ترین صادرکنندگان به بازار این کشورند. بر اساس این آمارها، ایران در سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ به ترتیب با صادرات ۷٫۱ و ۹٫۳ میلیارد دلار، پس از کشورهای امارات، چین و ترکیه، در رتبه چهارم قرار داشته است.

سفر ۳ روزه مسعود پزشکیان به عراق به عنوان نخستین مقصد خارجی رئیس‌جمهور جدید کشورمان به وضوح بیانگر اهمیت و نقش عراق در معادلات منطقه‌ای ایران است. برای نخستین‌بار بود که رئیس‌جمهوری اسلامی ایران از منطقه اقلیم کردستان عراق و شهر بصره دیدن به عمل آورد و ۱۴ تفاهنامه میان طرفین به امضا رسید. **کدام متغیرها نسبت به دوره اول ریاست‌جمهوری ترامپ متحول شده‌است؟**

جامعه جهانی در حالی با بیم و امید به حضور ترامپ در اریکه قدرت در طول روزهای آینده می‌نگرد که روابط تهران و واشنگتن در دوره بایدن به نسبت دوره اول ترامپ دچار دگرگونی‌هایی شده است؛ متغیرهایی که هر کدام می‌تواند نقشی مثبت یا منفی در روابط مابین و فشار آمریکا بر دولت مرکزی عراق جهت کاستن از روابط حسنه با تهران ایفا کند.

از پیشسرفت محسوس تهران در برنامه هسته‌ای‌اش به عنوان یکی از این متغیرها نام برده می‌شود. فارغ از تشدید رویارویی‌ها میان طرفین، جمهوری اسلامی ایران با به‌کارگیری سانسورفیوزهای پیشرفته و افزایش میزان غنی‌سازی اورانیوم در خلال ۴ سال اخیر، توانسته موقعیت مستحکم‌تری را در قبال برنده هسته‌ای خویش اتخاذ کند. اظهارات صریح شماری از مقامات کشورمان به وضوح نشان می‌دهد تهران از تمام پتانسیل‌های لازم برای اتخاذ برنامه هسته‌ای نظامی برخوردار است. فروریختن ترس رویارویی مستقیم تهران و تل‌آویو دیگر متغیر تاثیرگذار در این معادله است. جامعه بین‌المللی سال ۲۰۲۴ شاهد ۲ دور رویارویی مستقیم ایران و رژیم صهیونیستی در ماه‌های آوریل و اکتبر بود؛ رخدادی که از یک سو توان موشکی و نظامی ایران را به نمایش گذاشت و از سوی دیگر به فروریختن ترس رژیم صهیونیستی از حمله مستقیم به کشورمان منتهی شد. تخریب روابط تهران و بروکسل بر خلاف دوره اول ترامپ به دلیل وقوع جنگ در اوکراین و مصالحه ددیماتیک بین ایران و عربستان سعودی ۲ متغیر کلیدی دیگری در این مسیر به حساب می‌آید. با شکل‌گیری همکاری‌های جدید در منطقه اکنون تعداد کمی از کشورهای عربی انگیزه‌ای برای مقابله فعال با ایران دارند. مساله یادشده موجب خواهد شد بر خلاف دوره پیشین که سعودی‌ها مستقیما مبادرت به تحریک ترامپ جهت تشدید فشارها علیه ایران می‌کردند، دست‌کم در دوره پیش رو، دست به عصات رفتار کنند.

تاب‌آوری کشورمان در برابر شدت تحریم‌ها در کنار فشارهای وارده بر حزب‌الله و حماس در طول ماه‌های پس از هفتم اکتبر در کنار دست بالای انصارالله در معادلات حاکم بر دریای سرخ، متغیرهای مهم دیگری هستند که هر یک در تصمیم‌گیری ترامپ در قبال تهران نقش بسزایی ایفا خواهند کرد. مهم‌ترین فاکتور در این زمینه به دست بالای متحدان سیاسی ایران در هیات حاکمه بغداد بازمی‌گردد. پس از سال‌ها تردید نسبت به اتحاد با جمهوری اسلامی در میان برخی احزاب عراقی، بغداد اکنون دارای دولتی با اکثریت چهره‌های همسو با ایران است که این مساله توان آمریکا را در پیشبرد سیاست‌هایش در قبال تهران در زمینه عراق محدود خواهد کرد.

■ **اهداف و رویکردهای ترامپ از واداشتن بغداد به تبعیت از فشارها علیه تهران**

روابط ایالات متحده آمریکا و عراق به کلافی سردرگم در خلال ۲ دهه اخیر مبدل شده است. جرج بوش سال ۲۰۰۳ به بهانه مقابله با تلاش رژیم صدام جهت دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی به عراق حمله کرد. با این حال وی و نوحافظه‌کاران اطرافش موفق نشدند عراق را ذیل برنامه خاورمیانه بزرگ به متحدی برای ایالات متحده تبدیل کنند.

ابوالفضل ولایتی: تنش در روابط تهران و واشنگتن قدمتی دیرینه دارد؛ از زمان وقوع انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ در ایران. با این وصف مساله پرونده هسته‌ای، موشکی و نفوذ منطقه‌ای کشورمان در غرب آسیا به ۳ رکن کلیدی تقابل ۲ طرف در خلال ۲ دهه اخیر مبدل شده است. از دوره اول ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ به عنوان تنش‌آلودترین برهه حاکم میان روابط جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا نام برده می‌شود؛ مقطعی که دونالد ترامپ با خروج از توافق هسته‌ای در سال ۲۰۱۸ و توسل به فشار حداکثری در پی به زانو درآوردن جمهوری اسلامی بود. ترور شهید سیهید قاسم سلیمانی در ژانویه ۲۰۲۰ در فرودگاه بغداد، تنش‌های مابین را آنچنان افزایش داد که شماری از محافل بین‌المللی در آن مقطع از احتمال رویارویی مستقیم نظامی سخن به میان آوردند. جمهوری اسلامی در واکنش به ترور یاد شده، بزرگ‌ترین حمله نظامی به پایگاه‌های آمریکایی در دهه‌های پس از خاتمه جنگ دوم جهانی را انجام داد.

منطقه غرب آسیا در حالی در ماه‌های پس از هفتم اکتبر بحرانی‌ترین مقطع تاریخی خود را سپری می‌کند که دونالد ترامپ مجددا در شرف ورود به کاخ سفید قرار دارد. همین مساله موجب شده ناظران بین‌المللی به تجزیه و تحلیل روابط تهران و واشنگتن در فردای استقرار ترامپ در کاخ سفید بپردازند. در این میان نقش جمهوری عراق بیش از هر کشوری در مناسبات طرفین حائز اهمیت است، نزدیک به ۲ دهه از سقوط رژیم بعث در عراق می‌گذرد. اقدام نظامی از سوی جرج بوش پسر در سال ۲۰۰۳ عملا همسایه غربی کشورمان را که در طول دهه‌های متمادی در جایگاه بزرگ‌ترین خصم منطقه‌ای تهران قرار داشت، به حوزه نفوذ جمهوری اسلامی ایران مبدل کرده است. حضور پرقدرت شبه‌نظامیان متحد کشورمان در عراق بویژه در فردای ظهور داعش، موجب شده محافل غربی از حشدالشعبی به عنوان یکی از بازوهای نیابتی جمهوری اسلامی ایران در منطقه نام ببرند. از سویی، محافل یادشده بارها تهران را به تجهیز حشدالشعبی به سلاح‌های پیشرفته موشکی و پهپادی متهم و سرزمین عراق را بستری مساعدی برای دور زدن تحریم‌های یک‌سویه ایالات متحده قلمداد کرده‌اند. موقعیت منحصربه‌فرد عراق به عنوان همسایه کلیدی کشورمان، بغداد را به محل ۳ نزاع کلیدی میان تهران و واشنگتن که در ابتدا به آن اشاره کردیم (پرونده هسته‌ای، موشکی و نیروهای به اصطلاح نیابتی) مبدل کرده است. همین مساله موجب شده ناظران منطقه‌ای به گمانه‌زنی درباره شیوه احتمالی مواجهه ترامپ با تهران و نقش کلیدی بغداد در این زمینه بپردازند.

در مقطع کنونی ترامپ و دستیارانش برای بغداد خط و نشان کشیده و خواستار تجدید نظر مقامات عراقی در روابط خویش با تهران، همچنین مهار متحدان کشورمان در عراق شده‌اند. شماری از ناظران منطقه‌ای مدعی‌اند عراق نقش بسزایی در دور زدن تحریم‌های آمریکا برای ایران و ورود دلار و دیگر مایچمتا مورد نیاز به کشورمان ایفا کرده، لذا مهار بغداد در صدر اولویت‌های واشنگتن قرار گرفته است. طبق آمار منتشرشده از سوی گمرک و سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی، بیشترین تجارت ایران طی یک دهه گذشته با همسایگان به ترتیب با عراق، امارات، افغانستان، ترکیه و پاکستان بوده که برای روشن‌تر شدن موضوع می‌توان گفت میزان تجارت ایران با عراق از مجموع رقم تجارت ایران با ترکیه، افغانستان و پاکستان بیشتر است. ■ **عراق در جایگاه بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران در منطقه اعمال تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران از یک سو در کنار وضعیت یفرنج و جنگ‌زده عراق از سوی دیگر، همچنین مرز طولانی ۲ کشور (۱۴۰۰ کیلومتر مرز آبی– خاکی) و پیوستگی‌های عمیق قومی و مذهبی ۲ سوی مرز، عراق و بغداد را در طول یک دهه اخیر به سوی تعمیق روابط سوق داده است.** فرسودگی و کاستی‌های زیرساختی موق و ناتوانی بغداد در تأمین نیازهای روزمره جامعه ۴۰ میلیونی خویش، فرصت مناسبی را در اختیار بخش‌های دولتی و خصوصی ایران قرار داده تا از نفوذ سیاسی و اجتماعی خود در جهت توسعه روابط تجاری با عراق بهره جویند. نگاهی به روابط تجاری ۲ کشور حاکی از آن است در طول ۲۱ سال اخیر، صادرات ایران به عراق